**مسأله دوازدهم: یجبُ تقلیدُ الأعلم مع الإمکان علی الأحوط و یجبُ الفحص عنه.**

مراداز قید **مع الامکان** این است که اگر اعلم در عصر مقلِّدها موجود باشد تقلید از او واجب است. و این احتیاط ، احتیاط وجوبی است چرا که پیدا کردن مجتهد اعلم برای آنها ممکن است.

قبل از بررسی اقوال و ادلّه آنها ذکر دو نکته به عنوان مقدمه لازم است.

**نکته اول**: تقلید از عالم با وجود اعلم اقسامی دارد.

**الف:** تقلید از عالم پیرامون احکامی که موافق با نظر اعلم است

**ب:** تقلید از عالم پیرامون احکامی که مخالف نظر اعلم است لکن نظر عالم یک خصوصیّت دارد و آن اینکه موافق با احتیاط است.

**ج:** تقلید از عالم پیرامون احکامی که مخالف با نظر اعلم است در عین حال نظر این عالم مخالف با احتیا ط است.

در صورت اول و دوم تقلید از عالم جائز است و واجب نیست از اعلم تقلید کند.

اما در صورت سوم تقلید از عالم جائز نیست بلکه تقلید اعلم واجب است. مشهور فقها و سیّد در الذریعه صفحه ۸۰۱ می­فرماید از مسلّمات شیعه تقلید از اعلم است ، محقق ثانی در این زمینه ادعای اجماع کرد.

در نتیجه موضوع بحث در این مسأله اختصاص دارد به مواردی که فقها در علم فقاعت مختلف و همچنین در مسأله ای اختلاف فتوا دارند. در این صورت بحث است که آیا تقلید از اعلم واجب است یا خیر؟

اما مواردی که فقها در فضیلت مساوی یا در فتوا موافق یا در فتوا مخالف اما فتوای عالم موافق احتیاط است از موضوع بحث خارج است.

**نکته دوم:** باید بررسی کرد که وظیفه عوام قبل از تقلید چیست؟ یعنی وقتی که می­داند فقها هم در فتوا هم در رتبه علمی مختلف می­باشند وظیفه این عوام چیست؟

**مرحوم آخوند می­فرماید مسأله دو صورت دارد.**

**الف:** گاهی بحث بر روی عوامی است که نمی­دانند تکلیف آنها نسبت به انتخاب مرجع تقلید چیست ؟ زیرا قدرت استنباط را ندارند.

**ب:** گاهی بحث ما در این است که وظیفه مجتهدین در قبال تقلید از اعلم چیست؟ آیا اگر مجتهدی با استفاده از ادلّه به این یقین رسید تقلید از اعلم واجب یا جائز است آیا می­تواند فتوا دهد به اینکه بر هر مقلِّدی واجب از اعلم تقلید کند یا خیر[[1]](#footnote-1)؟

**نکته:** جهت طرح این دو بحث روشن است. چرا که مسأله تقلید عقلی است و عقل مستقلاً حکم به وجوب دفع ضرر محتمل می­کند. هر یک از مقلِّد ها احتمال می­دهند که اگر تقلید نکنند ممکن است حکم خدا را اشتباه انجام دهند و در آخرت عذاب شوند لذا عقل آنها می­گوید تقلید بر شما واجب است. لذا این مسأله نیازی با افتا ندارد. طرح این بحث برای این است که گفته شود اصل مسأله جواز تقلید، تقلیدی نیست ( جواز تقلید عقلی است پس چرا می­گوید یجبُ... این یجب حکمی است)

 **صورت اول:‌** آنجای که عوام می­دانند که مراجع هم در فتوا و هم در فقاهت مختلف هستند .

 آخوند می­فرماید مسأله سه صورت دارد.

**الف:** اگر عوام احتمال بدهند که در جواز تقلید، اعلمیّت شرط است باید رجوع به اعلم کنند زیرا این عامی یقین به حجیّت فتوای اعلم دارد و نسبت به فتوای غیر اعلم شک دارد و همین شک در حجیّت غیر اعلم مانع تقلید او می­شود.

**ب:** اگر عوام عقلا حکم به عدم اعتبار و اشتراط اعلمیّت فقیه در جواز تقلید کند . یعنی هم پیروی از مجتهد اعلم و هم غیر اعلم را طریق به واقع بداند در این صورت در اختیار کردن یکی از دو مجتهد مخیَّر است.

**ج:** اگر عوام اعلمیّت را شرط می­داند و لکن مجتهد اعلم او قائل به عدم وجوب تقلید اعلم است در این صورت فقط در مسأله تقلید اعلم مقلد مجتهد اعلم می­شود اما در احکام شرعیه می­تواند به غیر اعلم رجوع کند[[2]](#footnote-2).

**صورت دوم:** آیا وظیفه مجتهد این است که افتاء به رجوع به اعلمیّت دهد یا اینکه می­تواند رجوع به غیر اعلم را هم جائز بداند ؟

**در این رابطه سه صورت متصوّر است.**

**الف:** اگر اعلم با غیر اعلم در فتوا موافق باشند. در این صورت مجتهد عالم می­تواند فتوی به تخییر بین اعلم و غیر اعلم را اعلام کند. نظیر دو روایتی که هر دو حجّت و هر دو یک حکم را ثابت می­کنند.

**ب:** فتوای غیر اعلم با اعلم مخالف باشد. در این صورت اگر فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط است می­شود فتوا به رجوع به غیر اعلم دارد.

**ج:** فتوا ها مخالف است اما فتوای اعلم مخالف با احتیاط است ؟ در این مورد بین علماء اختلاف است.[[3]](#footnote-3)

**نکته:** صاحب قوانین[[4]](#footnote-4) و فصول[[5]](#footnote-5) تقلید از غیر اعلم را در این صورت نیز جائز دانسته اند.

1. ۱-اگر ما قائل شویم که دلیل جواز تقلید عقلی است صدور چنین فتوای صحیح نیست. [↑](#footnote-ref-1)
2. ۳-منتهی الدرایه جلد ۱۰ صفحه ۴۲۹ الی ۴۳۰ [↑](#footnote-ref-2)
3. ۳-مطارح الانظار جلد ۲ صفحه ۵۲۵ [↑](#footnote-ref-3)
4. ۴-قوانین الاصول جلد ۲ صفحه ۲۴۶ [↑](#footnote-ref-4)
5. ۵-فصول صفحه ۴۲۴ [↑](#footnote-ref-5)